

نمادهای دینی در شعر شیعی (قرن اول تا پنجم هجری)

مطالعه موردی: امام علی (ع) و امام حسین (ع)

زهره ناعمی^۱

چکیده: رمزگرایی و نماد شناسی از مباحث مورد توجه در همه علوم و دانش‌های بشری است. ادبیات به عنوان شاخه‌ای از علوم، با نماد و رمز، پیوندی عمیق و دیرینه دارد. نماد دینی به عنوان یکی از تقسیمات نماد در ادبیات و یکی از اصطلاحات رایج در علم جامعه‌شناسی دینی، از جایگاه ویژه‌ای در شعر شیعه برخوردار است که اثبات این مدعا، رویکردی ادبی-جامعه‌شناختی را طلب می‌کند. نماد دینی در هر دو بخش خود، حقیقی و غیر حقیقی، به طور کلی به پنج دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: شخصیت‌های مقدس، اعمال مقدس، اشیاء مقدس، مکان‌های مقدس و زمان‌های مقدس. این تحقیق با محوریت شخصیت‌های مقدس در بخش نماد دینی حقیقی و با توجه به مجال اندک این مقاله، در نظر دارد تنها به بررسی و تحلیل نمادهای دینی مربوط به امام علی (ع) و امام حسین (ع) بپردازد و در پایان، این نمادها را در طول پنج قرن اول هجری با یکدیگر مقایسه و تغییرات و تحولات موجود را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. نمادهای دینی مورد بررسی، از قرن اول تا اواخر قرن سوم حکایت از گرایش علوی و از اواخر قرن سوم تا اواخر قرن پنجم نشان از گرایش حسینی دارد.

واژه‌های کلیدی: شعر شیعه، نماد دینی، شخصیت‌های مقدس، امام علی (ع)، امام حسین (ع)

مقدمه

نماد کلمه‌ای فارسی است که به معنی فاعل و ظاهر کننده (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۲۷۳۱) و نیز به مفهوم نشان و علامتی با معنای خاص آمده است مثلاً صلیب نماد مسیحیت است. (انوری، ۱۳۸۱، ۷۹۶۲)

این کلمه به عنوان یکی از اصطلاحات رایج در علوم مختلف بشری، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. آن چه در این تحقیق مد نظر است، نماد از دیدگاه ادبیات و جامعه شناسی دینی است. به عبارتی، این دو علم در این تحقیق به هم وابسته اند زیرا در تحلیل نمادها در شعر شیعه از هر دو علم و اصول آن‌ها استفاده می‌شود. توضیح اینکه نماد در علم بیان، یکی از زیر شاخه‌های ادبیات، نیز مطرح است که خصیصه اصلی آن این است که «به یک معنی مجازی محدود نمی‌گردد و امکان شکوفایی معنی‌های مجازی متعددی را بالقوه در خود نهفته دارد. هر یک از این معنی‌های مجازی بالقوه، ممکن است در ارتباط با یکی از تجربه‌های ذهنی و عینی انسان‌ها آشکار شده و فعلیت یابد. لذا از صور خیال جدا می‌شود و از نظر ابهام، از استعاره و کنایه در می‌گذرد و در حدی بالاتر از آن‌ها قرار می‌گیرد. (پور نامداریان، ۱۳۶۴، ۲۰-۲۵)، اما از دیدگاه جامعه شناسی دینی، «نمادگرایی به منزله حیات بیشتر مذهب است؛ هر نیت و مقصودی، هر هدف و آرمانی و هر رسم معمول در عرف جامعه که با پدیده مذهب در ارتباط است، در فضای سمبول‌ها و نمادها زندگی کرده است؛ نمادهایی که مذاهب از طریق آن‌ها در دل ما زنده بوده اند و در میان ما باقی مانده اند و نمادهایی که ما از طریق آن‌ها به زندگی مذهبی گذشته و یا فرهنگ‌های بیگانه راه یافته ایم. گفتنی است سرنوشت دین و نماد به هم گره خورده است به طوری که اگر نمادها قدرت خود را از دست بدهند سنت‌های مذهبی در آن‌ها جان تازه ای می‌دمند و هنگامی که آداب و رسوم مذهبی در آستانه سقوط قرار گیرد، نمادها، نیروی از دست رفته آن‌ها را برایشان فراهم و سازمان دهی می‌کنند.» (Eliade, 1987, 198) همچنین در جامعه شناسی «نماد به عنوان یکی از عناصر و ابزارهای مفید برای شناخت گستره ظرفیت و پویایی فرهنگ جامعه مطرح است در حقیقت یک نشانه ارتباطی است که نوعی آگاهی را با ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل منتقل می‌کند.» (شایان مهر، ۱۳۷۹، ۶۲۵)

از دیدگاه جامعه شناسی دینی، نماد زبان دین است که سرشار از تمثیل، استعاره،

کنایه، اعمال خاص و حتی سکوت است چرا که نماد یکی از راههای ارتباطی با عالم حقیقت به شمار می‌آید؛ (الیاده، ۱۳۷۵، ۷۳-۷۲) از طرفی شعر شیعه که سرشار از نمادهای دینی است، از جنبه‌های مختلفی همچون زندگانی اهل بیت (ع)، تاریخ، سیاست، عرفان و ... مورد بررسی قرار گرفته‌است اما تا کنون این شعر از این منظر کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است لذا با توجه به اهمیت این نوع نمادها در هر آیینی، شناساندن نمادهای دینی شیعه و تأثیر فهم آن‌ها در فهم اشعار شیعه و شناساندن فرهنگ شیعی گذشته اعم از سفارشات دینی و سنت‌های جامعه و نیز تحقیق درباره آن‌ها که با ادبیات درآمیخته است، ضروری می‌نماید.

بنابراین می‌توان نماد دینی^۱ را این گونه تعریف کرد: به کلیه شخصیت‌ها، اعمال، اشیاء، مکان‌ها، زمان‌های مقدس که همگی در نزد پیروان ادیان مختلف، مقدس شمرده می‌شوند و از احترام و جایگاه ویژه‌ای در میان آنان برخوردارند و به نوعی با آداب و رسوم اجتماعی آن‌ها پیوند خورده‌است، نماد دینی گفته می‌شود. شایان ذکر است نماد دینی خود به دو بخش عمده نمادهای حقیقی و غیر حقیقی تقسیم می‌شود. منظور از نمادهای دینی حقیقی کلیه مواردی است که در دین بدان فرمان داده شده‌است اعم از ذکر آن در کتاب آسمانی، یا اقوال و گفته‌ها و اعمال بزرگان دین. در دین اسلام، قرآن کریم و سنت،^۲ منبع مهمی هستند که نمادهای دینی حقیقی را تغذیه می‌کنند اما نمادهای دینی غیر حقیقی مجموعه‌ای از نمادها هستند که بر خلاف نمادهای دینی حقیقی، در اصل دین به آن‌ها اشاره، سفارش و یا دستور داده نشده‌است بلکه بر اساس فرهنگ دینی جامعه و یا سفارش بزرگان در هر عصری همچون مراجع تقلید، دانشمندان و علمای دینی و ... شکل می‌گیرد که در این مجال نمی‌توان بیشتر بدان پرداخت. به دلیل تمرکز این مقاله بر شخصیت‌های مقدس و نمادهای دینی حقیقی، باید گفت هر چند این اشخاص، در ذات خویش، حقیقت هستند و نماد نیستند اما از آن جا که صفاتی از صفات پسندیده در آنان برجسته تر شده‌است لذا از آن‌ها به عنوان نمادهای دینی یاد می‌شود مثلاً پیامبر اسلام (ص) که به مهربانی، رحمت و رأفت شهره آفاق‌اند را نماد رحمت الهی دانسته‌اند و یا حضرت ابوالفضل (ع) نماد غیرت و مردانگی و حضرت امیر مؤمنان (ع) نماد عدالت و

۱ گفتنی است از آنجا که نماد دینی در جامعه شناسی دین تعریف نشده‌است تعریف ارائه شده در این تحقیق بر اساس دریافت‌ها و در راستای مطالعات شخصی نگارنده و با مشورت دکتر سارا شریفی استاد دانشگاه تهران صورت گرفته‌است.

شجاعت محسوب می‌شوند. لذا در این تحقیق برآنیم که شعر شاعران شیعه در پنج قرن اول هجری را از این منظر مورد کاوش قرار دهیم و دریابیم شخصیت امام علی (ع) و امام حسین (ع) در قرون یاد شده به عنوان چه نمادهایی مطرح بوده‌اند.

گفتنی است به دلیل نو بودن این تحقیق، تنها به بررسی و تحلیل شعر شاعران شیعه در قرون پنجگانه اول هجری که معروف تر و نام‌آشنا تر بودند، اکتفا شده‌است؛ این شاعران عبارتند از: کمیت بن زید اسدی، سید حمیری، منصور نمری، دیک الجن حمصی، دعبل بن علی خزاعی، صنوبری، ابوفراس، شریف مرتضی، شریف رضی و مهیار دیلمی. در بررسی و تحلیل شعر این شاعران ترتیب زمانی آنان نیز رعایت شده‌است؛ همچنین با توجه به آن که شاعران مذکور به طور قطع در یکی از قرون تولد و وفات نیافته‌اند و بخشی از حیات آن‌ها در قرنی و بخشی در قرن دیگر سپری شده‌است لذا قرن‌ها به این ترتیب از یکدیگر تفکیک شده‌اند: قرن اول-دوم هجری، قرن دوم-سوم هجری و..

از آن جا که امامان علی (ع) و حسین (ع) بیشترین حجم نمادهای دینی حقیقی در بخش شخصیت‌های مقدس اهل بیت (ع) در قرون یاد شده را به خود اختصاص داده‌اند، لذا این تحقیق بیشتر بر وجود آن دو بزرگوار و نمادهای دینی مربوط به آن دو تکیه دارد؛ هر چند که در بخش پایانی این مقاله به امامان دیگر و حجم نمادهای دینی مربوط به آن‌ها نیز پرداخته و به تفصیل سخن رانده شده‌است.

بررسی و تحلیل نمادهای مربوط به امام علی (ع) و امام حسین (ع)

در قرن اول - دوم هجری

کمیت بن زید، سید حمیری و منصور نمری قصاید فراوانی در خصوص امام علی (ع) و امام حسین (ع) دارند به طوری که کمیت در قصاید دهگانه خود که به هاشمیات شهرت دارد، از پیامبر (ص) و بیشتر از امام علی (ع) و امام حسین (ع) سخن می‌گوید؛ در این قصاید، امام علی (ع) به عنوان نماد شجاعت (علی الصالح، ۱۹۳۲، ۱۸ و ۱۹)، عدالت و داد گستری (همان، ۱۹)، تقوی (همان، ۴۱) و مظلومیت (همان، ۷۹) و امام حسین (ع) نماد مظلومیت (همان، ۲۰ و ۴۲ و ۶۵)، کرم (همان، ۲۱) و شجاعت (همان، ۶۶) می‌باشند. به عنوان مثال، وی در بیان واقعه شهادت امام علی (ع)، آن حضرت را نماد عدالت معرفی می‌کند و معتقد است که هیچ قاضی و دادستانی همانند او در میان قاضیان گذشته نبوده‌است: (همان، ۱۹۹)

قَتَلُوا يَوْمَ ذَاكَ إِذْ قَتَلُوهُ حَكَمًا لَا كَغَابِرِ الْحُكَّامِ

کمیت در دفاع از حقانیت امام حسین (ع) و بیان واقعه عاشورا، به مظلومیت ایشان اشاره می‌کند که آن حضرت با وجود هیچ گونه عداوت و کینه با سپاهیان دشمن از آب فرات محروم شد و به شهادت رسید. کمیت مصیبت هیچ مخدول و بی یار و یابوری را بزرگ تر از مصیبت امام حسین (ع) و امری را واجب تر از یاری رساندن به او در آن زمان نمی‌داند: (همان، صص ۶۶-۶۵)

يُحِلُّنَ عَنْ مَاءِ الْفُرَاتِ وَظِلِّهِ حُسَيْنًا وَلَمْ يُشْهَرْ عَلَيْهِنَّ مُنْصِلُ
فَلَمْ أَرِ مَخْذُولًا أَجَلَ مُصِيبَةٍ وَأَوْجَبَ مِنْهُ نُصْرَةً حِينَ يُخْذَلُ

سید حمیری از عشق اهل بیت (ع) لبریز است اما بیش از همه، شیفته شخصیت بی نظیر حضرت علی (ع) است به طوری که ۱۱۴ قصیده از ۲۲۱ قصیده دیوان خود را به آن حضرت اختصاص داده است. علی (ع) در دیوان او نماد شجاعت (السیدالحمیری، بی تا، ۵۴ و ۱۰۲ و ۱۰۵ و ۱۲۳ و ۱۳۰ و ۱۳۳ و ۱۶۱ و ۱۷۰ و ۱۷۹ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۱۵ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۸۰ و ۳۲۲ و ۳۲۴ و ۳۳۴ و ۴۰۳ و ۴۱۸ و ۴۴۵ و ۴۵۹ و ۴۶۶)، عدالت (همان، ۵۷ و ۵۸ و ۱۳۱ و ۱۶۱ و ۴۱۳)، کرم و ایثار (همان، ۵۶ و ۷۳ و ۱۳۱ و ۱۳۳ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۴۳۱ و ۴۳۲)، علم (همان، ۵۷ و ۵۸ و ۱۶۱ و ۲۱۴ و ۳۲۴ و ۴۱۹ و ۴۶۰ و ۴۶۶)، سخنوری (همان، ۵۸)، صراط مستقیم (همان، ۶۴ و ۴۲۹)، پاکی و نیکی (همان، ۶۶ و ۷۳ و ۱۸۷ و ۳۲۲ و ۴۲۰)، جبل الهی (همان، ۷۱ و ۱۸۷)، مظلومیت (همان، ۱۹۵ و ۳۸۴ و ۳۹۷)، هدایت (همان، ۱۱۳ و ۱۳۱ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۳۲۱ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۲ و ۴۶۶)، صبر (همان، ۱۲۷)، عزت (همان، ۱۳۰ و ۲۳۶)، نور (همان، ۱۳۳ و ۱۸۶ و ۳۹۹ و ۴۶۶)، حلم (همان، ۱۳۳)، تقوی (همان، ۱۳۳ و ۱۶۸ و ۱۸۷ و ۳۲۲)، ایمان (همان، ۱۴۲ و ۱۵۷ و ۱۶۱ و ۱۶۶ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۹ و ۱۹۳ و ۲۰۲ و ۲۱۷ و ۲۲۶ و ۲۳۷ و ۲۴۰ و ۲۵۰ و ۲۵۲ و ۲۵۴ و ۲۷۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۲۵ و ۳۳۴ و ۳۴۲ و ۳۸۳ و ۳۹۹ و ۴۲۰ و ۴۵۹) و حکمت (همان، ۴۵۹) است. به عنوان مثال سید حمیری با استناد به احادیث نبوی، آن حضرت را نماد عدالت در این دنیا و روز قیامت معرفی می‌کند و می‌گوید: (همان، ۴۱۳)

وَقَوْلُهُ الْمِيزَانُ بِالْقِسْطِ وَمَا
غَيْرُ عَلِيٍّ فِي غَدٍ مِيزَانُهُ
وَيَلُ لِمَنْ خَفَّ لَدَيْهِ وَزَنُهُ
وَقَوْرُ مَنْ أَسْعَدَهُ رُجْحَانُهُ

هفت قصیده از قصاید سید حمیری به امام حسین (ع) تعلق دارد. آن حضرت در نظر سید، نماد مظلومیت (همان، ۷۴ و ۴۷۰ و ۴۷۱)، علم (همان، ۴۵۴)، پاکی (همان، ۴۷۰) و نور (همان، ۳۶۰) است. برای نمونه، سید ضمن رثای ایشان به شدت به نکوهش بنی امیه می‌پردازد، کسانی که به فرزند پیامبرشان رحم نکردند و با هزاران نفر از سپاهیان خود، گستاخانه به قتل امام و یاران ایشان دست یازیدند: (همان، ۴۷۱)

جَعَلُوا ابْنَ بَنْتِ نَبِيِّهِمْ
غَرَضًا كَمَا تَرَى الدَّرِيَّةَ
فَعَدَوْا لَهُ بِالسَّابِغَا
تَعْلِيهِمْ وَالْمَشْرِفِيَّةَ
وَالْبَيْضِ وَالْيَلْبِ أَلِيمَا
نِي وَالطُّوَالِ السَّمْهَرِيَّةَ
وَهُمُ الْوُفُ وَهُوَ فِي
سَبْعِينَ نَفْسًا هَاشِمِيَّةَ

منصور نمری از دیگر شاعران شیعه با نه قصیده، حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) را به عنوان برجسته‌ترین نمادهای دینی معرفی می‌کند. امیر مؤمنان (ع) در نزد او نماد کرم (النمری، ۱۹۸۱، ۸۲ و ۹۹ و ۱۰۲)، هدایت (همان، ۹۰)، رحمت (همان، ۱۰۲)، مظلومیت (همان، ۱۴۰) و شجاعت (همان، ۱۴۳) و امام حسین (ع) نماد مظلومیت (همان، ۱۲۱ و ۱۲۷ و ۱۴۳ و ۱۴۴) و شهادت (همان، ۱۲۸) است.

منصور که در بیشتر اشعار شیعی خود و مخصوصاً در مدح حضرت علی (ع) با استناد به حدیث منزلت^۱ از صنعت بدیعی توریه استفاده می‌کند، در یکی از قصاید خویش به بخشش و جود آن حضرت اشاره می‌کند که هیچ گاه تمام نمی‌شود و او هر کجا پای نهد، جود و بخشش نیز در آن جا رحل اقامت می‌افکند: (همان، ۸۲)

إِذَا الْغَيْثُ أَكْدَى وَأَقْشَعَرَّتْ نُجُومُهُ
فَغَيْثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَطِيرُ
وَمَا حَلَّ هَارُونُ الْخَلِيفَةُ بَلَدَةً
فَأَخْلَفَهَا غَيْثٌ وَكَادَ يَضِيرُ

۱ پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: «أَنْتَ مَعِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى أَلَا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»: المجلسی، ۱۹۸۳، ۲۵۵.

مَنِيعُ الْحِمَى لَكِنَّ أَغْنَاكَ مَالَهُ يَظِلُّ النَّدَى يَسْطُو بِهَا وَيَسُورُ
وَقَفْتُ عَلَى حَالَيْكُمَا فَإِذَا النَّدَى عَلَيْكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرُ

بررسی و تحلیل نمادهای دینی مربوط به امام علی (ع) و امام حسین (ع) در شعر شیعه در قرن دوم- سوم هجری

در این دوره نیز حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) شاخص‌ترین نمادهای دینی حقیقی در شعر شیعه هستند. دیک الجن حمصی، نه قصیده در مدح و رثای اهل بیت (ع) سروده‌است که سه قصیده را به طور خاص به حضرت علی (ع)، دو قصیده را به صورت ویژه به امام حسین (ع)، یک قصیده را به حضرت فاطمه (س)، یک قصیده را به صورت مشترک به امام علی و امام حسین (ع) و دو قصیده را به صورت کلی به اهل بیت (ع) اختصاص داده‌است. به نظر می‌رسد دیک الجن شدیداً متأثر از شخصیت بی نظیر امیر مؤمنان (ع) است؛ آن حضرت در نظر شاعر، نماد شجاعت (الحمصی، بی تا، ۳۶ و ۴۴ و ۴۵ و ۵۳ و ۵۴؛ همچنین ر.ک: همو، ۱۹۹۴، ۳۹ و ۴۷ و ۸۲ و ۱۱۱)، مظلومیت (همو، بی تا، ۳۳؛ نیز ر.ک: همو، ۱۹۹۴، ۳۶ و ۴۸ و ۷۵ و ۸۲)، هدایت (همو، بی تا، ۵۰؛ ر.ک: همو، ۱۹۹۴، ۴۷ و ۱۱۱)، علم و دین (همو، بی تا، ۳۷) و عقل (همان، ۳۸) است. برای مثال، دیک الجن محبت و ولایت آن کسی را در دل دارد که با گمراهان در پیکار و نبرد است و به دلیل همین شجاعت و هدایتش، پروردگار متعال او را «فتی»^۱ نامیده‌است: (همو، ۱۹۹۴، ۴۷)

وِوَلَايَ فَيَمَنْ فَتَكُهُ لَذَوِي الضَّلَالَةِ أَخْبَتَا
فَلَفْتَكِهِ وَلِهَـذِيهِ سَمَاهُ ذُو الْعَرْشِ الْفَتَى

امام حسین (ع)، دومین شخصیت دینی برجسته در دیوان دیک الجن، به عنوان نماد مظلومیت (همان، ۷۴ و ۱۰۷ و ۱۱۹) مطرح شده‌است. شاعر با یاد کردن مصیبت سبط پیامبر (ص) در روز عاشورا، بیماری سخت خویش را به دست فراموشی می‌سپارد و دیگر

۱ از امام باقر (ع) روایت شده‌است که در روز بدر فرشته ای به نام رضوان از آسمان ندا داد: «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ»؛ ابن المغازلی، بی تا، ۱۴۱.

به خواب و راحتی نمی‌اندیشد. او حسین را می‌بیند که یگه و مظلومانه با اندوه فرو خورده خویش مدارا می‌کند در حالی که شمشیرها بر قتل او همت گماشته‌اند ... و آن گاه جسم پاکش بر زمین می‌افتد و سر مبارکش بر فراز نیزه‌ها به اهتزاز در می‌آید: (همان، ۱۱۹)

مَرَّتْ بِقَلْبِي ذِكْرِيَاتُ بَنِي الْهُدَى فَنَسِيتُ مِنْهَا الرُّوحَ وَالتَّهْوِيَمَا
وَنَظَرْتُ سَبْطَ مُحَمَّدٍ فِي كَرْبَلَا فَرَدًّا يُعَانِي حُزْنَهُ الْمَكْظُومَا
تَنْحُو أَضَالَعَهُ سَيُوفُ أُمِّيَّةٍ فَتَرَاهُمْ الصَّمُومَ فَالصَّمُومَا
فَالْجِسْمُ أَضْحَى فِي الصَّعِيدِ مُوزَعًا وَالرَّأْسُ أَمْسَى فِي الصَّعَادِ كَرِيمًا

دعبل بن علی خزاعی که چهل سال است چوبه دار را بر دوش می‌کشد تا کسی را بیابد که او را بر آن بیاویزد (بطرس البستانی، بی تا، ۱۱۴-۱۱۵) در مدح و رثای اهل بیت (ع)، ۲۴ قصیده دارد که مشتمل بر هفت قصیده درباره حضرت امیر (ع)، دو قصیده درباره امام حسین (ع)، شش قصیده مستقل یا ضمنی در خصوص امام رضا (ع) و قصایدی در خصوص اهل بیت (ع) می‌شود.

علی (ع) در دیوان دعبل، نماد شجاعت (الخزاعی، ۱۴۰۹، ۱۲۹ و ۱۴۸ و ۱۷۲ و ۳۱۴ و ۳۱۹)، ایمان (همان، ۱۳۰ و ۱۷۲)، مظلومیت (همان ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۴۰)، پاکی (همان، ۱۴۷) و کرم (همان، ۱۷۴) است؛ به عنوان نمونه، دعبل به غضب کردن حق آن حضرت در امر خلافت و مظلومیت ایشان اشاره می‌کند و بیعت غاصبان را از بدترین بیعت‌ها می‌داند و می‌گوید: (همان، ۱۴۰)

سُتْسَالُ تَيْمٍ عَنْهُمْ وَعَدِيهَا وَيَبْعَتُهُمْ مِنْ أَفْجَرِ الْفَجَرَاتِ
هُمْ مَنَعُوا الْأَبَاءَ عَنْ أَخْذِ حَقِّهِمْ وَهُمْ تَرَكَوْا الْأَبْنََاءَ رَهْنَ شَتَاتِ
وَهُمْ عَدَلُوهَا عَنْ وَصِيِّ مُحَمَّدٍ فَيَبْعَتُهُمْ جَاءَتْ عَلَى الْغَدَرَاتِ

گفتنی است امام حسین (ع) به عنوان نماد مظلومیت (همان، ۱۳۵ و ۱۳۷ و ۱۵۰ و ۱۹۶ و

۱ «تیم» نام قبیله ابو بکر بن ابی قحافه است و «عدی» نام قبیله عمر بن خطاب است.

(۲۲۵)، پس از امام رضا (ع)، سومین شخصیت برجسته در دیوان دعبل است، شاعر که از ظلم و ستم دنیا پرستان نسبت به خاندان طهارت به تنگ آمده است با مادر درد کشیده حسین، از غربت و مظلومیت او سخن می گوید: (همان، ۱۳۵)

أَفَاطِمُ! لَوْ خِلْتُ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَقَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِشَطِّ فُرَاتٍ
إِذْنٌ لِلطَّمْتِ الْخَدَّ فَاطِمُ! عِنْدَهُ وَأَجْرَيْتِ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ

بررسی و تحلیل نمادهای دینی مربوط به امام علی (ع) و امام حسین (ع) در شعر شیعه در قرن سوم-چهارم هجری

حضرت علی (ع) و به ویژه امام حسین (ع) بیشترین نمادهای دینی حقیقی در این بخش را به خود اختصاص داده اند. صنوبری از شاعران دلسوخته اهل بیت (ع) که به شاعر طبیعت معروف است به هنگام مدح و رثای آن بزرگان، طبیعت را رها کرده و به ساحت آن خاندان پناه می برد تا به بهشت، آن طبیعت شگفت انگیز دست یابد^۱. در دیوان صنوبری حضرت علی (ع) نماد عدالت و شجاعت (همان، ۲۱۹ و ۵۱۰)، مظلومیت (همان، ۳۹۸)، کرم (همان، ۵۱۰) و ایمان (همان، ۱۲۹) است؛ وی معتقد است که حضرت، نور عدالت را که به خاموشی گراییده بود، پر فروغ نمود: (همان، ۲۱۹)

مُثَقَّبُ النُّورِ لِلْبَرِّيَّةِ نُورِ الْعَدْلِ مِنْ بَعْدِ مَا خَبَا وَ تَلَا شَى

امیر مؤمنان (ع) در دیوان ابوفراس حمدانی، نماد هدایت (الحمدانی، ۱۹۸۷، ۲۵۹) و شجاعت (همان، ۳۱۳) است؛ به عنوان مثال، وی به ماجرای تضييع حق آن حضرت در امر خلافت پرداخته و سپس با آوردن براهین و حجت های قاطع بر حقانیت او صحه می گذارد. یکی از این برهان ها، شجاعت بی نظیر علی (ع) در جنگ خیبر است که همتایی ندارد: (همان، ۳۱۳)

مَنْ كَانَ صَاحِبَ فَتْحِ خَيْبَرَ؟ مَنْ رَمَى بِالْكَفِّ مِنْهُ بَابَهُ وَ دَحَاهُ

۱ خَلَّ الرُّبَى وَالْأَضَا وَاحْلُلْ بِسَاحَتِهِمْ تَحْلُلْ بِخَيْرِ رُبَى مِنْهُمْ وَ خَيْرِ أَضَا
الصنوبری، ۱۹۷۰، ۲۶۹.

امام حسین (ع) بیشترین سهم نمادهای دینی شخصیتی را در این دوره داراست. صنوبری که شدیداً تحت تأثیر شخصیت امام حسین (ع) است از میان هفت قصیده اش در رثای اهل بیت (ع)، چهار قصیده را به آن حضرت اختصاص داده است ضمن این که در سه قصیده دیگر نیز به طور ضمنی به ایشان می پردازد.

آن حضرت در دیوان صنوبری نماد مظلومیت (الصنوبری، ۱۹۷۰، ۹۵ و ۱۲۹ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۷۰ و ۳۹۹ و ۴۷۱ و ۵۱۰)، هدایت (همان، ۱۲۹) و نور (همان، ۱۳۰) می باشد که در این میان، مظلومیت بیشترین سهم را دارد؛ برای نمونه، صنوبری در یکی از قصاید، به مبارزه سید الشهدا با سپاهیان یزید اشاره می کند که با وجود خستگی و تشنگی بسیار، تا آخرین نفس جنگید و بسیاری از آنان را به هلاکت رسانید تا جایی که دشمنان از صولت و شجاعت آن حضرت شگفت زده شدند و گمان بردند که علی بن ابی طالب (ع) حیاتی دوباره یافته است: (همان، ۲۲۱)

ذَائِدًا عَنْ حُشَاشَةِ النَّفْسِ حَتَّى لَمْ يَدْعَ لِلنَّفُوسِ مِنْهُمْ حُشَاشًا
فَتَظَنُّوا مِنْ صَوْلَةِ ابْنِ عَلِيٍّ فِيهِمْ أَنَّهُ عَلِيُّ عَاشَا

آن حضرت در دیوان ابوفراس نماد مظلومیت (ابو فراس الحمدانی، ۱۹۸۷، ۳۱۲-۳۱۳) است؛ مثلاً وی آن زمان که طی یک مقدمه غزلی از رسیدن به محبوب خویش محروم می گردد از امام یاد می کند و مظلومیت ایشان را به تصویر می کشد: (همان، ۳۱۲-۳۱۳)

فَحُرِمْتُ قُرْبَ الْوَصْلِ مِنْهُ، مِثْلَمَا حُرِمَ الْحُسَيْنُ الْمَاءَ وَهُوَ يَرَاهُ
إِذْ قَالَ أَسْقُونِي فَعَوَّضَ بِالْقَنَا مِنْ شُرْبِ عَذْبِ الْمَاءِ مَا أَرُوَاهُ
فَاخْتَزَّ رَأْسُ طَالِمًا مِنْ حَجْرِهِ أَذْنَتُهُ كَفَّا جَدَّهُ وَيَدَاهُ

بررسی و تحلیل نمادهای دینی مربوط به امام علی (ع) و امام حسین (ع) در شعر شیعه در قرن چهارم-پنجم هجری

امام حسین (ع) در این دوره، بیشترین سهم نمادهای دینی حقیقی را به خود اختصاص داده است که اکثراً در شعر شریف مرتضی و شریف رضی مطرح شده است؛ و امام علی (ع) به عنوان نماد دینی در رتبه دوم قرار می گیرد که بیشتر در شعر مهیار دیلمی مورد ستایش

واقع شده است. امام حسین (ع) در شعر شریف مرتضی، نماد مظلومیت (الشریف المرتضی، ۱۹۵۸، ۱۴۵ و ۱/۲۹۲، ۲۸، ۴۱، ۵۳، ۹۳، ۱۶۴، ۲۵۵ و ۲/۲۵۷ و ۳/۷۸، ۳۴۲)، شجاعت (همان، ۱، ۱۴۶ و ۲۹۱)، عزّت (همان، ۱، ۲۹۱)، نور (همان، ۱، ۲۹۱ و ۲، ۴۱)، کرم (همان، ۱، ۲۹۱) و هدایت (همان، ۲، ۹۳) است؛ به عنوان مثال، وی در رثای امام حسین (ع) و یارانش، پس از آن که از به خاک افتادن مظلومانه جماعت عاشورایی سخن می گوید، به منظور دفع دخل مقدر و دفاع از آن بزرگواران، به شجاعت و دلاوری آنان اشاره می کند تا به همگان یادآوری کند که آن ها نمادهای شجاعت و دلاوری هستند نه نمادهای ضعف و سستی: (همان، ۱، ۲۹۱)

لَمْ يَطْعَمُوا الْمَوْتَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ حَطَمُوا بِالضَّرْبِ وَالطَّعْنِ أَغْنَاكَ الصَّنَادِيدِ

حضرت امیر (ع) نیز در دیوان شریف مرتضی نماد نور (همان، ۱، ۳۶)، عزّت (همان، ۲، ۳۷) و عدالت (همان، ۲، ۴۲) است. مثلاً شاعر ضمن پرداختن به حادثه عاشورا، یزیدیان را خطاب قرار می دهد که اگر شما در آن روز آب را بر این جماعت حرام کردید، بدانید که در روز واپسین از آب گوارای کوثر محروم خواهید شد، همان روزی که حاکم عادل آن، جدّ دادگستر آن بزرگواران، نماد عدالت و برابری، علی مرتضی است: (همان، ۲، ۴۲)

حَلَّأْتُمْ بِالطَّفِّ قَوْمًا عَنِ الْمَاءِ فَحَلَّيْتُمْ بِهِ الْكُؤْتَرَا
فَإِنْ لَقَوْا نَمَّ بِكُمْ مُنْكَرًا فَسَوْفَ تَلْقَوْنَ بِهِمْ مُنْكَرًا
فِي سَاعَةٍ يَحْكُمُ فِي أَمْرِهَا جَدُّهُمْ الْعَدْلُ كَمَا أَمَّرَا

شریف رضی، برادر کوچک شریف مرتضی، که در سرودن شعر تبحر بیشتری داشته است و از ناموران شعر شیعه به شمار می رود، قصائد فراوانی در مدح و رثای اهل بیت (ع) دارد. از نظر او، امام حسین (ع) نماد مظلومیت (الرضی، ۱۹۹۹، ۹۳ و ۹۵) و غربت (همان، ۲، ۱۶۵) است، به عنوان مثال، شاعر که مصیبت سید الشهداء، صبر و شکیبایی و خواب شیرین را از او ربوده است، آن حضرت را با عنوان غریبی که از وطن و دیار خویش دور مانده است خطاب می کند و می گوید: (همان، ۲، ۱۶۵)

يَا غَرِيبَ الدِّيَارِ! صَبْرِي غَرِيبٌ وَقَتِيلَ الْأَعْدَاءِ! نَوْمِي قَلِيلٌ

لَيْتَ أَنِّي ضَجِيعُ قَبْرِكَ أَوْ أَنْ تَرَاهُ بِمَدْمَعِي مَطْلُولُ

حضرت علی (ع) نیز در دیوان شریف رضی، به عنوان نماد شجاعت (همان، ۱، ۹۶ و ۱۷۷)، ایمان (همان، ۱، ۹۶)، نور (همان، ۱، ۱۷۷) و جود و کرم (همان، ۱، ۱۷۷) مطرح شده است؛ برای نمونه، شاعر در بیان سنگین بودن مصیبت امام حسین (ع) بر قلب پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع)، از امام اول شیعیان با عنوان «حسام الله» یاد می کند که این امر نشان دهنده آن است که آن حضرت همچنان تا این قرن در جایگاه نماد شجاعت و پایداری باقی است: (همان، ۱، ۹۶)

لَوْ رَسُولُ اللَّهِ يَحْيَا بَعْدَهُ قَعَدَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ لِلْعَزَا
مَعَشَرٌ مِنْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَ الْكَاشِفُ الْكَرْبُ إِذَا الْكَرْبُ عَرَا
صَهْرُهُ الْبَاذِلُ عَنْهُ نَفْسَهُ وَ حُسَامُ اللَّهِ فِي يَوْمِ الْوَعَى

از دیگر شاعران این دوره، مهیار دیلمی است که به نظر می رسد شیفته شخصیت بی همتای حضرت علی (ع) است زیرا بیشترین نمادهای دینی-شخصیتی موجود در دیوان خویش را به آن حضرت اختصاص داده است. از نظرگاه او، امیر مؤمنان (ع) نماد مظلومیت (الدیلمی، ۱۹۹۹م، ۱، ۲۵۵ و ۵۱۳ و ۲، ۱۱۵)، هدایت (همان، ۱، ۵۸۰ و ۲، ۷۲)، کرم (همان، ۱، ۵۸۰ و ۲، ۷۲)، شجاعت (همان، ۱، ۵۸۰ و ۲، ۱۱۴) و عدالت (همان، ۲، ۱۱۴) است؛ به عنوان نمونه، مهیار در بیان فضایل آن حضرت، وی را فقیه ترین و عادل ترین قاضی می داند و می گوید: (همانجا)

وَمَنْ نَامَ قَوْمٌ سِوَاهُ وَقَامَ؟ وَمَنْ كَانَ أَفْقَهَ أَوْ أَغْدَلَا؟

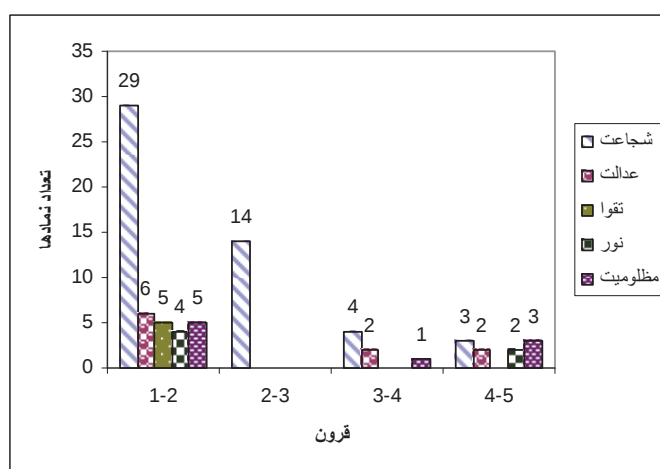
امام حسین (ع) دومین شخصیتی است که مهیار از او به عنوان یکی از برجسته ترین نمادهای دینی شیعه یاد کرده است؛ آن حضرت از دیدگاه مهیار، نماد مظلومیت (همان، ۱، ۵۷۸ و ۷۲ و ۲، ۸۷)، غربت (همان، ۲، ۷۲)، کرم (همانجا) و هدایت (همانجا) است. شاعر دلیل کشتن سید الشهداء را تنها و تنها «احقاد بدریّه» می داند، همان کینه هایی که باعث شد جسم مطهر آن حضرت، مظلومانه بر زمین سوزان کربلا رها شود؛ امام حسین (ع) به حق، نماد مظلومیت است چرا که هدف کینه و دشمنی زبوان روزگار قرار گرفت بی آن

که به آن‌ها ظلمی روا داشته باشد: (همانجا)

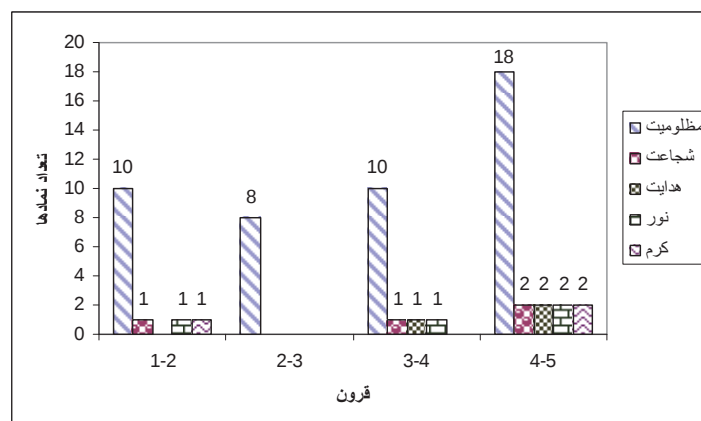
مُضَقُّ بِالْأَرْضِ جِسْمًا نَفْسُهُ فَوْقَ السُّكَاكِ مُفْرَدٌ تَرْمِيهِ كَفُّ الْبَغْيِ عَنْ قَوْسِ اشْتِرَاكِ
أَظْهَرَتْ فِرْقَةً بَدَرَ فِيهِ أَضْغَانُ النَّوَاكِ كَلَّ ذَاكِيَ الْحَقْدِ أَوْ يَخْضِبُ أَعْرَافَ الْمَذَاكِ

نتیجه‌گیری، نقد و بررسی تحولات و کارکردهای نمادهای دینی مربوط به امام علی (ع) و امام حسین (ع) در طول پنج قرن اول هجری

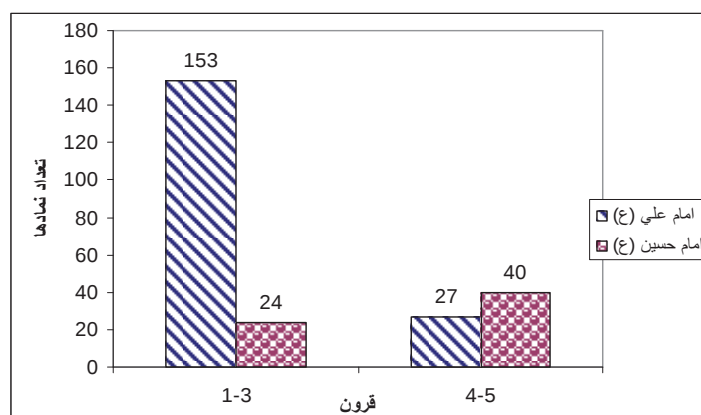
می‌توان تحول و تغییر این نمادها را در طول پنج قرن در این مطلب خلاصه کرد که حضرت امیر (ع) در قرن اول تا اواخر قرن سوم هجری، شخصیت بارز در شعر شیعه است و امام حسین (ع) در رتبه دوم قرار دارد اما از اواخر قرن سوم تا پایان قرن پنجم، توجه شاعران به امام حسین (ع) بیش از پیش معطوف می‌گردد و آن حضرت به عنوان برجسته‌ترین شخصیت مطرح این عصر، یگانه تاز میدان شعر شیعه است و پدر بزرگوارش در رتبه بعدی جای می‌گیرد. نمودارهای زیر گویای این مطلب است به طوری که دو نمودار اول مستقلاً به هر کدام از این دو شخصیت و فراوانی نمادهای دینی آن‌ها در طول پنج قرن اول هجری پرداخته‌است و نمودار سوم، گواه بر مدعای تبدیل شدن گرایش‌های علوی به سمت تمایلات حسینی است:



نمودار شماره ۱- فراوانی نمادهای مطرح مربوط به امام علی (ع) در شعر شیعه در قرون پنجگانه اول هجری



نمودار شماره ۲- فراوانی نمادهای مطرح مربوط به امام حسین (ع) در شعر شیعه در قرون پنجگانه اول هجری



نمودار شماره ۳- تبدیل گرایش‌های علوی به تمایلات حسینی در بحث نمادهای دینی مطرح در شعر شیعه در طول پنج قرن اول هجری

در نگاه کلی به نظر می‌رسد دو عامل فردی و اجتماعی بر این تغییر و تحول مترتب باشد؛ در خصوص عامل فردی می‌توان گفت هر شاعری با توجه به علاقه و تأثر روانی و فکری از شخصیت محبوب خویش، از او در شعر خود بیشتر سخن می‌گوید اما از آن جا که

شعر، آیینه تمام نمای جامعه است می‌توان این امر را به عامل اجتماعی نیز وابسته دانست؛ شاید بتوان حساسیت شدید شیعیان نسبت به امر خلافت و برگرداندن آن به اهل بیت (ع) را در سه قرن اول هجری، سبب گرایش آنان به امام علی (ع) و تمایل شدید آن‌ها به قیام، انقلاب و شورش علیه دولت و حرکت برای بهبودی وضعیت شیعیان در دو قرن چهارم و پنجم را دلیل گرایش آنان به امام حسین (ع) دانست و بدین ترتیب شاعران شیعه به نوبه خود خواسته‌ها و گرایش‌های شیعیان را در شعر خویش منعکس می‌کردند.

از آن چه گفته شد چنین بر می‌آید که در تمامی این قرون پنجگانه، حضرت علی (ع) حضور خود را به عنوان نماد عدالت، شجاعت و تا حدودی مظلومیت و امام حسین (ع) جایگاه خود را به عنوان نماد مظلومیت حفظ کرده‌اند. به نظر می‌رسد امام حسین (ع) از همان دیرباز در میان شیعیان و نوع تلقی آنان از قیام آن حضرت نیز مظلوم بوده‌است، زیرا در شعر شیعه در این پنج قرن همانند آن چه امروزه مرسوم است، پرداختن به مظلومیت، تشنگی و اندوه امام در روز عاشورا از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌است تا پرداختن به اهداف و مقاصد امام از قیام خونین کربلا.

از دیگر شخصیت‌هایی که در شعر شیعه در این پنج قرن مطرح هستند می‌توان به شخصیت بی نظیر پیامبر (ص) در قرن اول و تا حدودی قرن دوم هجری اشاره کرد که در شعر شعرائی چون کمیت و به ویژه حسّان بن ثابت نمود بیشتری دارد و غالباً به عنوان نماد نور مطرح است اما به تدریج از حضور آن حضرت در شعر شیعه دوره‌های بعدی کاسته می‌شود.

شاید بتوان دلایل متعددی را برای این امر برشمرد؛ از جمله این که در قرن اول هجری، اسلام کودکی نو پا بود و پیامبر (ص) به عنوان اولین و برجسته‌ترین شخصیت اسلامی، مدّ نظر شاعران و به ویژه حسّان — که شاعر النبی نام گرفته بود — قرار داشت و به دلیل تحول عظیمی که در سطح جامعه ظلمانی آن روز به وجود آورده بود، بیشتر به عنوان نماد «نور» در شعر حسّان مطرح شده‌است؛ از طرفی شاعران در دوره آغازین اسلام، تمام همّت خود را در جهت دفاع از دین تازه تولد یافته به کار می‌بستند و از آن جا که اسلام با نام پیامبر (ص) عجین شده بود، شاعران در حمایت از دین، به جانبداری از آن حضرت نیز می‌پرداختند. از طرفی در قرن‌های بعدی، مظلومیت امامان که مورد توجه شیعه بوده، شاعران را به سرودن مدائحی درباره آنان تشویق می‌نمود در حالی که

رسول گرامی اسلام (ص) به عنوان منادی هدایت و رحمت مورد توجه و قبول همه مسلمانان بوده و نیازی به مدح نداشته‌است.

امام حسن مجتبی (ع) تنها یک بار در دیوان کثیر عزّه و به عنوان نماد ایمان و بردباری مطرح می‌شود. فرزددق نیز تنها در قصیده میمیه خود که آن را در مدح امام سجاد (ع) سروده‌است، از آن حضرت به عنوان نماد نور و کرم یاد می‌کند.

امام صادق (ع) نیز به عنوان یکی از شخصیت‌های مقدس شیعه، تنها در شعر سید حمیری و فقط در چهار قصیده حضور می‌یابد؛ نکته در خور توجه آن است که سید به دلیل آن که به دست مبارک امام صادق (ع) از مذهب کیسانی عدول کرده و به شیعه اثنی عشری گرویده است لذا از ایشان بیشتر به عنوان نماد هدایت یاد می‌کند. همچنین دعبل از امام رضا (ع)، بیشتر به عنوان نماد غربت یاد می‌کند و شش قصیده را به مدح و رثای آن حضرت اختصاص می‌دهد.

شایان ذکر است با توجه به احادیث و روایات اهل بیت (ع) در خصوص منجی و موعود، امام عصر (عج) نیز به عنوان نماد عدالت و دادگستری از همان قرن اول در شعر شیعه مطرح بوده‌است هر چند در قرن اول و دوم، مباحث مهدویت توسط شاعران کیسانی و زیدی ره به ترکستان برده‌است.

در توضیح دلایل این امر باید گفت جنبش تشیع تا پایان قرن اول هجری جز در گرایش سیاسی ضد نظام موجود، راه خود را از سواد اعظم جامعه مسلمان جدا نکرده بود اما به مرور از اوائل قرن دوم و نتیجتاً در سال ۱۳۲، با انقلاب عباسی و فروپاشی حکومت اموی، مکتب تشیع به تدریج به صورت یک مکتب حقوقی، کلامی، فقهی و سیاسی مشخص، مستقل و متمایز درآمد که بیشتر اعضای آن در آن زمان، از امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) پیروی می‌کردند. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶).

البته بسیاری از شیعیانی که در آن دوره گرد امام باقر (ع) بودند با مفهوم امامت به شکل واقعی آن آشنا نبوده و ایشان را امام معصوم نمی‌دانستند؛ لازم به ذکر است که تعدادی از شیعیان بر نقش سیاسی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) تأکید می‌ورزیدند و عده ای از شیعیان، نقش امام را تشخیص حق از باطل، تشخیص اصول اصلی اسلام از تحریف شده و حفظ شریعت [می‌دانستند] لذا گروه اول پس از امتناع امام صادق (ع) از قیام بر ضد امویان و عباسیان، طرز فکرشان نسبت به منصب امامت دچار تحولی بزرگ گردید

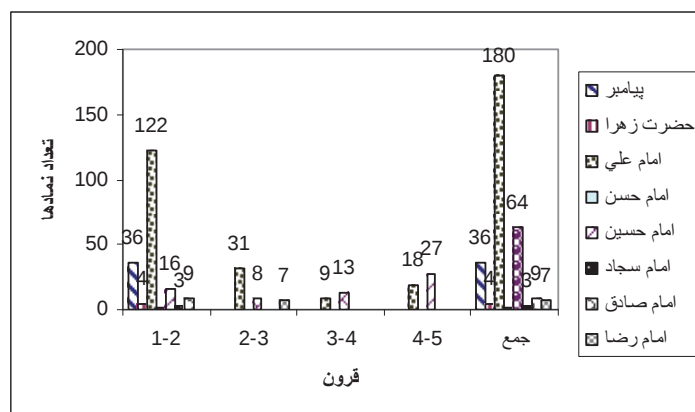
و بدین ترتیب، تأکیدی که قبلاً بر مقام سیاسی امام می‌شد اکنون به مقام مذهبی و علمی امام انتقال یافت» (همان، ۱۳-۱۴) به همین دلیل، سید حمیری نیز که به مدح امام جعفر صادق (ع) می‌پردازد و ماجرای گرویدن خود به مذهب جعفری را به دست مبارک آن امام همام بیان می‌کند تنها بر جنبه‌های مذهبی و دینی آن حضرت اشاره می‌کند و به امور سیاسی نمی‌پردازد. کمیت نیز با وجود آن که به محضر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شرفیاب می‌گردد اما درباره آنان قصیده‌ای ندارد.

در زمان امام موسی کاظم (ع)، شاید به دلیل فشارهای سیاسی فراوانی که عباسیان بر شیعیان وارد می‌کردند و نیز به دلیل زندانی بودن امام در بیشتر دوران امامتش، شاعران مشهور شیعه از پرداختن به آن امام در سروده‌های خود امتناع می‌کردند. اما با شروع امامت امام رضا (ع) و انتخاب آن حضرت به عنوان ولی عهد از سوی مأمون عباسی، و با پررنگ تر شدن نقش سیاسی امام و کم شدن فشارها بر شیعیان، آن حضرت در شعر شاعری مشهور و مخلص چون دعبل ظهور می‌یابد و در قصاید متعدد مدح و پس از شهادت رثا می‌شود.

«دو امام بعدی در سن کودکی و خردسالی به مقام امامت رسیدند که خود مسأله بحث انگیز در میان شیعیان شد و در جهت کم رنگ کردن نقش سیاسی مقام امامت بود. در زمان امام هادی (ع)، شیعه از نظر سیاسی زیر فشار شدید قرار داشت. آنان از همه مناصب دولتی طرد شدند و از نظر اجتماعی منزوی گردیدند.» (همان، ۲۴)

گفتنی است «اندیشه غلو و تفویض که در دو قرن نخستین به شدت از سوی ائمه نفی شده بود از نیمه دوم قرن دوم با بازسازی خود و پرهیز از غلو و تفویض افراطی در قالب ارتقای اعتقاد به فضائل فرابشری ائمه، آرام آرام وارد اندیشه شیعی شد تا آن جا که این جریان بازسازی شده در قرن پنجم، سیطره مطلق بر اندیشه شیعی پیدا کرد.» (محسن کدیور، ۱۳۸۵، ۲۹-۴۱)

نمودار ذیل به میزان فراوانی نمادهای دینی مربوط به معصومانی غیر از امام علی (ع) و امام حسین (ع) اشاره دارد که در شعر شیعه در قرون یاد شده به آن‌ها پرداخته شده‌است و در صفحات اخیر از آن‌ها سخن به میان آمد:



نمودار شماره ۴- فراوانی نمادهای دینی مربوط به معصومین مطرح در شعر شیعه در قرن اول تا پنجم هجری

با توجه به آن چه گفته شد شاید بتوان گفت یکی از دلایل پررنگ جلوه نمودن نقش امامان علی (ع) و حسین (ع) در شعر شیعه، آن است که چون شعر شیعه ماهیتی سیاسی دارد و نقش امامان مذکور در میدان سیاست، بیش از سایر امامان بوده است لذا شاعران شیعه که در پی خونخواهی خاندان پیامبر (ص) و انتقام و برگرداندن خلافت به آنان بودند، از این دو امام بیشتر سخن می گویند هر چند شاعرانی به مدح امامان دیگر نیز پرداخته اند اما شعرای مشهور نبوده اند.

منابع

۱. الباده، میرچا، دین پژوهی، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۲. ابن المغازلی، مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، بیروت، دار مکتبة الحیاء، [بی تا].
۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱ ش.
۴. البستانی، بطرس، ادباء العرب فی العصر العباسی، [بی جا]، دار نظیر عبود، [بی تا].
۵. پور نامداریان، تقی، رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴ ش.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۷. السید الحمیری، اسماعیل بن محمد، الدیوان، تحقیق شاکر هادی شکر، بیروت، دار مکتبة الحیاء، [بی تا].
۸. شایان مهر، علی رضا، دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کتاب دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان،

- ۱۳۷۹ش.
۹. شریف رضی، محمد بن طاهر، دیوان، شرح محمود مصطفی حلاوی، الطبعة الاولى، بیروت، شركة دار الارقم بن ابی الارقم، ۱۹۹۹م.
۱۰. شریف مرتضی، علی بن طاهر، دیوان، تحقیق رشید الصفار، [بی جا]، دار إحياء الكتب العربية، ۱۹۵۸م.
۱۱. کدیور، محسن، قرائت فراموش شده بازخوانی نظریه علمای ابرار، تلقی اولیه اسلام از اصل امامت، فصلنامه مدرسه، شماره سوم، ۱۳۸۵ش.
۱۲. المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الطبعة الثانية، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۹۸۳م.
۱۳. مدرسی طباطبائی، حسین، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزد پناه، [بی جا]، مؤسسه انتشاراتی داروین، ۱۳۷۴ش.
۱۴. الحمدانی، ابو فراس، دیوان الامیر ابی فراس الحمدانی، تحقیق محمد التونجی، دمشق، المستشارية الثقافية الايرانية، ۱۹۸۷م.
۱۵. الحمصی، دیک الجنّ، الديوان، تحقیق احمد مطلوب و عبد الله الجبوری، بیروت، دار الثقافة، [بی تا].
۱۶. _____ دیوان دیک الجنّ الحمصی، تحقیق انطوان محسن القوأل، الطبعة الثانية، بیروت، دار الكتاب العربي، ۱۹۹۴م.
۱۷. الخزاعی، دعل بن علی، دیوان دعل بن علی الخزاعی، تحقیق عبد الصاحب عمران الدجیلی، الطبعة الثانية، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۰۹هـ.
۱۸. الدیلمی، مهیار، دیوان مهیار الدیلمی، شرح احمد نسیم، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۹م.
۱۹. الصنوبری، دیوان الصنوبری، تحقیق إحسان عباس، بیروت، دار الثقافة، ۱۹۷۰م.
۲۰. علی الصالح، صالح، القصاید الهاشمیّات و القصاید العلویّات، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۳۲م.
۲۱. النمری، منصور، شعر منصور النمری، تحقیق الطیب العشّاش، دمشق، دار المعارف، ۱۹۸۱م.

22. Eliade, Mircea, The Encyclopedia Of Religion, volume 14, New york, Macmillan Publishing Company, 1987.